



زنگ خطر قرار گرفتن کشور در مسیر سونامی سالمندی

جمعیت ایران به سرعت پیر می شود و آنچه از اخبار بر می آید، ایران دارای بی سابقه ترین کاهش نرخ باروری جهان در 30 سال گذشته است، چنانچه حتی سازمان ملل نیز نسبت به این موضوع هشدار داده و گفته که ممکن است در پایان این قرن، جمعیت ایران به نصف کاهش پیدا کند.

جمعیت ایران به سرعت پیر می شود و آنچه از اخبار بر می آید، ایران دارای بی سابقه ترین کاهش نرخ باروری جهان در 30 سال گذشته است، چنانچه حتی سازمان ملل نیز نسبت به این موضوع هشدار داده و گفته که ممکن است در پایان این قرن، جمعیت ایران به نصف کاهش پیدا کند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه قانون نوشت: رشد جمعیت ایران در یک بازه پنج ساله از سال 90 تا 95 با 0.3 درصد کاهش مواجه شده و هم اکنون متوسط رشد جمعیت ایران 1.24 درصد اعلام شده است.

این در حالی است که سال 1390، میانگین رشد 1.29 بود. این روزها 6 درصد جمعیت کشور بالای 60 سال هستند و مشخص نیست این رقم در سال های آتی تا کجا افزایش پیدا کند. طبق آمارها، ایران در صورتی که همین روند را ادامه دهد، در سال 1430 در زمره پیرترین کشورها محسوب می شود. حدود 20 میلیون و 371 هزار کودک که در سال های 60 تا 69 متولد شدند، این روزها قدم گذاشتن یا نزدیک شدن به دوره میانسالی را تجربه می کنند. نسلی که وقتی به سن مدرسه رسید، مدرسه نبود و چهار نفری در یک نیمکت به هم می چسبیدند. وقتی به سن کار رسید، کار نبود و هنوز نیز نیست. به سن ازدواج رسید، شرایط مهیا نبود و هنوز نیز نیست. نسلی که در اوج جوانی، بدترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی را تجربه کرد و حالا از فرزندآوری می ترسد یا به عبارتی شرایط فرزندآوری نیز برایش مهیا نیست و در بهترین حالت بیش از یک فرزند نمی خواهد. دهه شصتی ها و حتی دهه هفتادی ها، این روزها ترجیح می دهند در جامعه ای که میانگین خط فقر آن بیش از سه میلیون است و کار ثابت و تامین حداقل های زندگی نظیر مسکن و پوشاک به دغدغه افراد تبدیل شده، فرزند نداشتن باشند و هزینه های به خرج خود اضافه نکنند. در این شرایط چه بخواهیم چه نخواهیم، ایران در سال های آتی با سونامی سالمندی مواجه خواهد شد. سالمندانی که مثل زمان مدرسه و کار ازدواج، برای دوره سالمندی آن ها نیز تدبیر و زیرساختی اتخاذ نشده است.

بی اعتمادی مردم برای فرزندآوری

در سال های پس از دهه 60 که افزایش جمعیت در ایران با رشد بی سابقه ای مواجه بود، تمهیدات وزارت بهداشت در ایجاد فرهنگ فرزند کمتر، زندگی بهتر، توانست اثرات موفقی بر کاهش نرخ رشد جمعیت داشته باشد. تبلیغات آن دوره را می توان یکی از موثرترین تبلیغات و آموزش ها در راستای فرهنگ سازی در جامعه ایرانی دانست. مردم از آن استقبال کردند و نرخ استفاده از انواع وسایل و روش های پیشگیری از بارداری بالا رفت. این در حالی است که در یک دهه گذشته با تغییر 180 درجه ای، ناگهان سیاست های افزایش جمعیت در کشور ابلاغ شد، زوج های نابارور که تا آن زمان از عدم رسیدگی ها گلایه داشتند، ناگهان تحت پوشش و حمایت و در صدر اخباری که حکم تبلیغ داشت، قرار گرفتند. استفاده از روش های پیشگیری از بارداری، ممنوع و در مواردی با حکم جریمه و زندان همراه شد. قیمت وسایل پیشگیری ناگهان بالا رفت و عرضه رایگان آن در شهرستان ها و روستا ها نیز قطع شد. این تبلیغات و قوانین و استفاده از اهرم اجبار البته در بدترین شرایط اقتصادی سال های اخیر جامعه ایران انجام می شد.

زمانی که تورم لحظه به لحظه افزایش می یافت، قیمت خانه ها با افزایش 300 درصدی مواجه شده بود. خانواده ها بسیاری از کالاهای خوراکی و غیره را به دلیل افزایش قیمت از سبد خانوار حذف کرده بودند و دولت زیر بار افزایش نرخ تورم نمی رفت. در این شرایط، رسانه ملی نیز از تبلیغ باز نمی ماند اما چه تبلیغی! زن و مردی در خانه کلنگی که از حداقل امکانات نیز برخوردار نبودند و هشت بچه داشتند. بچه ها حتی کامپیوتر یا اتاق خواب مشترک نداشتند و خانواده رو به دوربین لیخن می زد و ابراز خوشبختی می کرد. یا بیلبردهایی از یک خانواده پرجمعیت سوار بر دوچرخه! این دسته تبلیغات در آن سال ها بیش از ترغیب، به بی اعتمادی مردم منجر شد؛ وعده هایی نظیر پرداخت وجه نقدی برای تولد هر کودک یا واگذاری زمین که از ابتدا نیز غیر منطقی به نظر می رسید و چون رنگ عمل به خود نگرفت، بذر بی اعتمادی را در دل مردم کاشت. سید مرتضی خاتمی؛ نایب رییس کمیسیون بهداشت و

درمان مجلس در پاسخ به اینکه ترس از فرزندآوری گریبان مردم ایران را گرفته است، به «قانون» می گوید: «عدم تمایل خانواده های ایرانی به فرزندآوری از دلایل اقتصادی اجتماعی و مسائلی مانند دشواری دسترسی به شغل و مسکن نشأت می گیرد. ضمن اینکه فرهنگ سازی سال های گذشته در خصوص فرزند کمتر نیز در ذهن مردم جا افتاده است. این علاقه ذهنی به انضمام شرایط اقتصادی، اجازه تحول در کاهش نرخ باروری را به جامعه نمی دهد. باید گفت که در بدترین زمان برای این موضوع اقدام شد و مشوق خاصی نیز مد نظر قرار نگرفت. در حال حاضر هنوز در وضعیت بحران کاهش رشد جمعیت قرار نگرفته ایم اما مقاومت ذهنی جامعه در خصوص فرزندآوری و تاثیر آن بر آینده را نمی توان نادیده گرفت».

ایران، آماده سونامی سالمندی نیست

کشورهای توسعه یافته به خصوص کشورهای نظیر مسکو و هلند در زمینه رسیدگی به سالمندان پیشتاز هستند. در این کشورها داشتن تغذیه مناسب، سطح بهداشت درمانی، داشتن مکان زندگی راحت و آسوده، امکانات مالی کافی و از این دست موارد، نکات مهمی در زندگی سالمندان است که باعث ارتقای سطح روانی و جسمی و درپایان شادی و سرزندگی آن ها شده است. بخش مهمی از سلامت سالمندان نیز، به تفریح و ورزش آن ها مرتبط است. سالمندان این کشورها، وقت آزاد زیادی دارند و بخشی از زمان خود را به تفریح اختصاص می دهند، بدون اینکه این تفریحات آزار و اذیتی به آن ها برساند. مزایایی نظیر مزایای سفر در اختیار آن ها قرار داده می شود که به سن افراد بستگی دارد. سالمندان از کارافتاده نیز، مشمول هزینه های اضافی درمانی و بسیاری شرایط رفاهی دیگر هستند. در ایران اما تمهیدات مناسب برای سالمندان هنوز از سطح کانون های سالمندانی که کارآمدی خاصی نیز ندارند، فراتر نرفته است. نایب رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در این خصوص می گوید که ایران با غرب متفاوت است و پذیرش سالمند در خانواده ها به لحاظ فرهنگی بالاست! وی در پاسخ به اینکه فرهنگ پذیرش سالمند در خانواده ایرانی به سرعت رو به پایین آمدن است، می گوید: «به هر حال این نکته درست است که دیر یا زود با سونامی سالمندی مواجه می شویم و زیرساخت های اساسی برای جامعه لازم است. طب سالمندان و بسیاری موارد نظیر آن، نیاز به گسترش دارد اما تا این لحظه برنامه مدونی در این زمینه وجود نداشته است که باید برای تدوین آن سرعت به خرج داد».

مردم نافرمانی نمی کنند، آماده نیستند

در حالی که مسئولان با آسودگی خاطر از اتخاذ برنامه و سیاست برای روزهای سالمندی جامعه ایرانی صحبت می کنند، «حسن عماری» روان شناس اجتماعی در گفت و گو با «قانون» هشدار می دهد که فضای رفاهی خدماتی برای سالمندان فراهم نیست و بعید است که در سال های آینده نیز فراهم شود. این روان شناس اجتماعی با تاکید بر اینکه در سال های گذشته، طرح هایی را برای توانمندسازی و رفاه سالمندان در تهران مطرح کرده بودیم، اظهار کرد: «این طرح نه مورد توجه قرار گرفت و نه مورد استفاده. با اینکه بخشی از وظایف بهزیستی در حوزه سالمندی است اما خدمات ناچیز این سازمان به تنهایی پاسخگو نیست. فعلا تنها در حال از دست دادن زمان هستیم و این موضوع در آینده ای نزدیک به مشکلات بی شمار می انجامد. عماری همچنین با اشاره به عدم تمایل ایرانی ها به فرزندآوری معتقد است که سبک زندگی جامعه ایرانی، بسته به تغییرات جامعه متفاوت شده است و این سبک را نمی توان با بخشنامه و ابلاغیه تغییر داد. آنچه مسلم است، چه همیشه و چه حالا، اغلب طبقاتی اقدام به فرزندآوری می کنند که همیشه به این کار اقدام کرده اند. طبقاتی که از نظر فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی اوضاع مناسبی ندارند و پیدا نیست با این شرایط در آینده ایران چه اتفاقی خواهد افتاد؟ طبقه متوسط ایرانی اما نه به واسطه مقاومت یا نافرمانی، که واقعا به دلیل عدم آمادگی و همچنین بی اعتمادی از فرزندآوری اجتناب می کنند. مردم آن قدر مخالف این سیاست نیستند که بخواهند بر ضد آن عمل کنند، اما در حقیقت آمادگی فرزندآوری ندارند و اعتمادشان سلب شده است. در این بین، کاهش بیش از این نرخ رشد جمعیت در کنار پیر شدن جمعیت بدون اینکه برنامه ای برای مواجهه با آن وجود داشته باشد، زنگ خطری است که گویا فعلا به گوش کسی نمی رسد.